

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره

پاره ای امور و نکات تمهیدی و مقدماتی را مطرح کردیم. بر اساس امور مقدماتی به روش‌شناسی «تفریع فروع» و «تفصیل مسائل» و «تبویب مباحث فقه زیست‌فناوری» دست پیدا کردیم؛ در نتیجه در شرایط فعلی اکنون ۲۰ فصل که شامل ۲۰ بحث محوری خواهد شد مجموعه فقه زیست‌فناوری را تشکیل می‌دهد.

مرور مباحث گذشته

به بررسی مبادی نظری فقه ژنتیک اجمالاً پرداختیم. فصل دوم و فصل سوم محور دوم راجع به مبادی و قواعد اخلاقیه مرتبط یا مختص به فقه زیست‌فناوری بود و بحث شد. در فصل سوم به قواعد اصولیه مرتبط به فقه زیست‌فناوری اشاره شد. در فصل چهارم اجمالاً در خصوص قواعد فقهیه مرتبط و مختص به فقه زیست‌فناوری بحث شد.

در مجموع این ۴ فصل را اجمالاً به مثابه مقدمات و مبادی مطرح کردیم. گفته شد محورهای موضوعی که متعلق مباحث فقهی فقه زیست‌فناوری قلمداد می‌شوند در ۱۶ محور قابل طرح و فرض است که یک به یک باید آن‌ها را بحث و بررسی کرد. اولین محور که در ساختار موضوعی فصل پنجم از فصول ۲۰ گانه فقه زیست‌فناوری قلمداد شد عبارت از احکام دانش‌ورزی و پژوهش در زیست‌فناوری بود که آیا به طور مطلق یا اجمالی مجاز به کار پژوهشی و دانشی در زمینه زیست‌فناوری هستیم؟ اگر مطلقاً مجاز هستیم ادله آن کدام است؟ اگر به نحو ثانوی محدودیت‌هایی وجود دارد در چه حوزه‌هایی می‌باشد؟

فصل ششم مسائل قلمرو بهداشت و درمان و پزشکی

معرفی فصل پیش رو:

اجمالاً این فصل در حد ذکر بعضی نمونه‌ها طی چند جلسه بررسی شد و به پایان بردیم. طبق ساختار و ترتیب پیشنهادی در فقه زیست‌فناوری باید در این جلسه به مسائل مربوط به حوزه «علوم شناختی» که مرتبط و در پیوند با تکنولوژی‌ه حیویّه (زیست‌فناوری) هستند بپردازیم و بعد از آن به فصول دیگری که در پی این فصل (فصل ششم) باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد؛ اما از آن‌جا که ما مجال کافی برای پرداختن اجمالی به مسائل همه فصول ۱۶ گانه را نداریم ناچاراً در این مرحله و دوره پُرمسئله‌ترین و نسبتاً مفصل‌ترین این محاور و فصول یعنی مسائل قلمرو بهداشت و درمان و پزشکی بپردازیم.

مسائل پزشکی و بهداشتی مرتبط با مسئله زیست‌فناوری و مهندسی ژنتیک به شدت مورد ابتلا و مورد چالش است و فروع و مسائل پیش‌آمده یا قابل فرض فراوانی در ذیل آن مطرح است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد نمی‌توانیم به همه مسائل این فصول هرچند در حد نمونه به آن بپردازیم و به ناچار با گزینش از میان این فصول، اولویت با بحث از این محور [مسائل پزشکی و بهداشتی] خواهد بود. قبل از ورود به فروع فقهی مطرح در ذیل این محور یا این فصل دو یا سه نکته را تذکراً بیان می‌کنیم.

نکته اول (نقش مهم زیست فناوری در پزشکی معاصر)

زیست فناوری و بالأخص مهندسی ژنتیک و الهندسة الوراثية نقش و سهم بزرگی در امور بهداشتی و درمانی و پزشکی دارد و این نقش از پیشینه دیرینه‌ای نیز برخوردار است؛ در مسائل سلامت یا درمان و تولید دارو از شیوه‌های زیست فناوریانه ولو از شیوه‌های بسیار ساده و اولیه و نخستینه آن استفاده می‌شده است و در روزگار ما این مسئله بسیار بسیار توسعه یافته است. گسترش سرسام آوری (برای اینکه این واژه بسیار رسا است از آن استفاده می‌کنم) کاربرست زیست فناوری و به خصوص مهندسی ژنتیک در حوزه بهداشت و درمان و مسائل متعلق و مرتبط با دانش پزشکی پیدا کرده است. این گسترش به صورت فزاینده و روز به روز بلکه در مقیاس جهانی اگر به مسئله نگاه کنیم و تحولات و تحرکات را رصد کنیم باید بگوییم دم به دم در حال توسعه و تعمیق است به طوری که به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور طب (البته به معنای وسیع آن) تبدیل به زیست فناوری با دامنه گسترده آن می‌شود؛ یعنی زیست فناوری همه ابعاد و عرصه‌های طبّ بالمعنی الأوسع و الأعم یعنی در علوم آزمایشگاهی مرتبط در امر تشخیص، در مسائل بهداشت، پیشگیری، درمان، داروسازی و سایر مسائل مرتبط و امور پیراپزشکی و دیگر امور متعلق در پیوند با طبّ به معنای وسیع آن را فراخواهد پوشید.

نکته دوم (کاربست قوانین مکشوفه در پزشکی جایز است یاخیر؟)

ما در دروس قبلی تا جلسه پیش راجع به پژوهش و دانش‌ورزی در زمینه زیست فناوری و زیست و موجودات زنده و کائنات حیّه و جواز آن بحث کردیم که آیا بشر مُجاز است که به مذاقه در قوانین حیات و سنن حاکم بر عالم حیات بپردازد و به اسرار حیات پی ببرد یا نه. این بحث انجام گرفت.

اما سوال اصلی آن است که کاربرست این قوانین مکشوفه در قلمرو طبّ الصّحّة مطلقاً جایز است یا نه. ممکن است کسی بگوید مطالعه علمی در یک موضوع اشکال ندارد؛ اما زمانی که به قوانین و قواعدی دست یافتیم استخدام این قوانین جایز نیست زیرا کاربرست آن به معنای دخالت در خلقت است؛ یعنی آگاهی از اسرار خلقت مانعی ندارد و در قرآن و روایات چون منتهی به فهم عظمت خلقت، عظمت خالق و تحکیم ایمان مخلوقات و انسان نسبت به خالق می‌شود بسیار بر این توصیه فرموده است اما کاربرست آن مُجاز نیست و ممکن است کسی چنین نظری بدهد.

لهذا پرسش این است که آیا کار دانش‌ورزانه در قلمرو زیست و زیست فناوری مشروطاً مُجاز است یا مطلقاً؟ یا فرض و وجه سوم قابل طرح است و آن اینکه ما در چه قسمی از حیوانات این قواعد و قوانین کشف شده را استخدام کنیم؛ مثلاً در غیرانسان مُجاز هستیم یا در گونه‌های خاصی از حیوانات مُجاز هستیم و در همه گونه‌های حیوانی مُجاز نیستیم یا فقط در حیوانات مُجاز اما در انسان‌ها جایز نیست و یا در بعضی از اصناف و مصادیق انسانی و آحاد انسان مُجاز هستیم. اینکه در کدام قسم از جنبندگان و زندگان و موجودات زنده و موجوداتی که دارای نفس حیوانی و انسانی هستند مُجاز به کاربرست قوانین مکشوفه هستیم ممکن است کسی بگوید مقید به اقسام و اصناف خاصی از حیوان و انسان در مقام کاربرست هستیم. یا بگوید کاربرست این قوانین با شیوه‌های خاصی (نه به هر شیوه‌ای) مُجاز است. یا شخص دیگری بگوید تا حدودی مُجاز هستیم؛ مثلاً در حد انتقال ژن از انسانی به انسان دیگر یا از حیوانی به انسانی و از گیاهی به حیوانی یا از گیاهی به انسانی و نه فراتر از آن؛ مثلاً اینکه روی سلول بنیادی هم کار کنیم و فرآوری کنیم و موجود زنده‌ای را پدید بیاوریم مُجاز نیست. به عبارت دیگر ممکن است کسی چنین حد و شرطی را قائل شود که تا مرتبه‌ای از مراتب زیست فناوری یا اغراض خاصی به کاربرد این قواعد و قوانین کشف شده مُجاز هستیم و برای هر

غرضی حق استفاده از قوانین کشف شده را نداریم؛ مثلاً برای اصلاح نژاد، ارتقاء نسل مُجاز اما برای اغراض دیگر مجاز نیستیم و باید سایر ظروف و جهات را دخیل بدانیم.

اگر به این ترتیب شد ممکن است مسئله حالت ثانویه حسب مورد مثبت یا منفی پیدا کند؛ حکم ثانوی مثبت [بنا بر مثال] یعنی این قیود و شروط مستحب یا واجب است و حکم ثانوی منفی یعنی با این قیود و شروط مکروه و یا حتی حرام است. به این ترتیب در واقع باید دقت کنیم و ببینیم حد ورود و تصرف ما و کاربرد و کاربست ما کجا است و چیست.

نکته سوم (بررسی مسائل محتمل)

به بعضی موارد و مسائلی که در زمینه طبّ الصّحّة در پیوند با زیست‌فناوری و مخصوصاً مهندسی ژنتیک قابل طرح است اشاره می‌کنیم.

اولین بحث «چیستی حکم استخدام قوانین مکشوفه در حوزه صحت و طبّ» است که توضیح نسبتاً مفصّلی نسبت به این فرع دادیم. سوال دیگری که مطرح است اینکه حکم «استخدام قوانین مکشوفه هنگام وجود ضرورت و مسائل حیاتی که اقتضاء استخدام و کاربرد این قواعد و قوانین را داشته باشد و ضرورت‌های بشری و دینی اقتضاء کند» چیست.

مسئله بعدی اینکه اگر کاربست قوانین و قواعد کشف شده منجر به ضرر قطعی شود مجاز هستیم؟

مسئله دیگر اینکه اگر در این مفروض -یعنی کاربست قواعد و قوانین- موجب اضرار به غیر شود حکم آن چیست؟

مسئله دیگر اینکه اگر کاربرد این قوانین و قواعد و اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه موجب ضرر محتمل باشد و به تعبیری ضرر محتمل معتدّیهی مطرح است در این صورت آیا مُجاز به اِعمال هستیم؟ اگر فرض در عدم جواز در ضرر قطعی باشد اگر احتمال ضرر یا اضرار معتدّ به بدهیم حکم مسئله چیست؟ اگر فرآیند معینی از فرآیندهای زیست‌فناورانه را به کار ببندیم و احتمال دهیم زیان معتنی بهی متوجه دیگری باشد (که غالب این روندها و فرآیندهای زیست‌فناورانه ابتداءً باید در محدوده آزمایشگاهی مورد کاربست قرار بگیرد و پس از آزمون فرایندها و تجربه کردن آنها توسعه بدهیم و به صورت انبوه و گسترده آن را به کار ببندیم. گاه ممکن است بنا باشد روی انسان‌های خاصی چنین کاربست‌های نخستین و ابتدایی اعمال بشود. آیا در مقام آزمایش روی عناصر و افراد خاصی قید و شرطی می‌تواند مطرح باشد؛ و بلکه در فرض شایع‌تری) مثلاً اگر بخواهیم در مطالعات آزمایشگاهی فرآیندهای زیست‌فناورانه را به خاطر وجود احتمال خطر یا ضرر قطعی روی حیوان‌ها اعمال کنیم (در صورتی که روی انسان آزموده شود و احتمال ضرر ندهیم ممکن است بگوییم مشکلی نیست) آیا مجاز به کاربست آزمایش‌ها روی حیوان‌ها هستیم؟ مثلاً حیوانی را مبتلا به بیماری خطیری بکنیم که علاج‌پذیر نیست یا صعب‌العلاج است. آیا حیات حیوانات ذاتاً ارزش ندارد و ما می‌توانیم به هر صورتی در حیات حیوان‌ها تصرف کنیم یا چنین اجازه‌ای را نداریم؟ یا با قیود و شروط مشخصی خدای متعال چنین اجازه‌ای را به ما داده و مشروع می‌شود؟

پرسش و نمونه دیگر اینکه گاه جنین آزمایشگاهی تولید می‌کنند و سلول‌های بنیادی را از او دریافت و آنها را تا حدی فرآوری می‌کنند. آیا تخریب سلول‌های بنیادی مُجاز است یا این موجود زنده است و علی‌الإطلاق مُجاز نیستیم سلول بنیادی را تخریب کنیم؟ و یا در خصوص جنین همین‌طور؛ جنینی که با فرآوری سلول بنیادی به وجود می‌آید (جنین آزمایشگاهی) آیا مجاز به ازبین بردن این جنین هستیم؟ در چه مرحله از حیات او [مجاز هستیم] و در هر مرحله‌ای دارای چه حکمی است؟ آیا بین جنین

آزمایشگاهی که با فرآوری سلول بنیادی به وجود آمده با جنین طبیعی که در رحم مادر پدید آمده است به لحاظ حکم تفاوت هست یا نیست؟

نمونه دیگر اینکه حکم انتقال سلول‌های بنیادی و ژن از فردی به فرد دیگر و از انسانی به انسان دیگر، از حیوانی به انسان، از انسانی به حیوانی چیست؟

از دیگر پرسش‌های بسیار پر اهمیت اینکه آیا بدون استفاده از روش‌های طبیعی با کاربری قوانین و قواعد زیستی مکشوفه و اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه موجودات زنده‌ای را پدید بیاوریم مجاز هستیم این اتفاق بیفتد یا خیر؟ به تعبیر دیگر به جای استیلاد و تولید موجود زنده از نطفه و نکاح (چه در خصوص حیوان و چه در خصوص انسان) از طریق استفاده از سلول بنیادی انجام شود آیا اصل این موضوع مجاز هست یا نه؛ که بحث آن کما بیش با اصطلاحات استنساخ و همانندآوری و شبیه‌سازی و... مطرح است.

پرسش دیگر و از جمله مسائل شایع و مطرح دیگر موضوع DNA (الشیفره الوراثیه) است. آیا مجاز به کاربری اطلاعات و امور مرتبط با DNA و رمز زیستی انسان‌ها هستیم؟ به طور کلی ورود در این زمینه و استفاده از این امر آیا مطلقاً مجاز هستیم یا اجمالاً؟ در فرض اجمال چه قیود و شرایطی را باید رعایت کنیم؟ اینجا پرسش‌های فراوانی مطرح است. اصولاً بعضی از این پرسش‌ها اگر تفصیل بدهیم گاه تجزیه به چند ده پرسش فرعی می‌شود.

پرسش دیگر که قابل طرح است (و در عصر ما عمل می‌شود و باید احکام آن را بحث کرد) اینکه احکام مربوط به ایجاد بانک‌های ژنتیک چه ژن‌های نباتی، چه ژن‌های حیوانی و چه ژن‌های انسانی چیست؟ که بحث بسیار مهمی است و مسائل فراوانی در حول و حوش این فعالیت علمی و انسانی قابل طرح است.

چه تغییراتی در حوزه دام پزشکی مجاز است که انجام شود؟ چه تغییراتی مجاز است در حوزه انسان پزشکی اتفاق بیفتد؟ کدام از تغییرات مجاز است و کدام از تغییرات مجاز نیست؟ ملاحظه می‌کنید این «کدام‌ها» فروع بسیار و اجزاء فراوانی پیدا می‌کند. به عنوان مثال آیا مجاز به تغییر وصف ذاتی یک فرد انسانی هستیم؟ مثلاً با اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه مرد را به زن تبدیل کنیم یا زن را به مرد تغییر صفت دهیم آیا مجاز هستیم یا مجاز خیر.

این چند مورد از باب مثال مطرح شد. با توجه به اینکه مسائل و فروع و فروض متفرق و متکثر و متنوعی مطرح است یک مطلب دیگر ضرورت پیدا می‌کند اینکه چگونه باید حوزه صحت و طب (بهداشت و درمان) و مسائل مرتبط و متعلق به طب بالمعنی الأوسع را تفریع فروع و تفصیل مسائل کنیم و منطق آن چیست؟ ظاهراً منطقی که ما برای تفریع فروع و تفصیل مسائل کل مباحث زیست‌فناورانه ارائه کردیم در اینجا کارایی دارد. این مسائل باید ساماندهی شده و در قالب ساختار منطقی صورت‌بندی شود. بنابراین نیازمند به یک منطق و منهج هستیم. مجدداً اشاره می‌کنیم که با همان منطقی که برای صورت‌بندی و ساختاردهی و مهندسی مباحث و مسائل زیست‌فناوری با همه گستره آن پیشنهاد شد مشابه و مطابق همان در این محور و در ذیل این فصل نیز می‌توانیم به ساماندهی و مهندسی مسائل این بخش بپردازیم.

شاید الان دیگر نتوانیم وارد بحث‌های فرعی شویم. اجمالاً این نکاتی که مطرح شد عرصه را مشخص کرد و حوزه بحث را تا حدی روشن ساخت و ان شاء الله از جلسه بعد به بررسی مسئله به مسئله و فرع به فرع از فروعی که فی الجمله به آن‌ها اشاره شد خواهیم پرداخت؛ گرچه ممکن است ما فقط به بعضی نمونه‌ها بپردازیم چون مجال ما بسیار محدود و مضیق است.

و صلّ الله على محمد و آله الطيّبين الطاهرين